



«جهان» فرزندانمان را ساخته‌ایم و از «جان» آن‌ها غافلیم

یک پژوهشگر علوم تربیتی با بیان اینکه اگر والدینی می‌خواهند انسان خوبی تربیت کنند

یک پژوهشگر علوم تربیتی با بیان اینکه اگر والدینی می‌خواهند انسان خوبی تربیت کنند باید به هر دو جنبه تربیت (معنوی و مادی) که اصطلاحاً به آن تربیت جان و جهان می‌گویم توجه کنند، گفت: اگر والدین جوانب زندگی فرزند خود را با عنصر جهان فربه کنند و به جان او توجه نکنند، اثر اندکی از تربیت معنوی در فرزند می‌توان یافت. در تربیت والدین امروز به جهان پرداخته شده و از جان غفلت شده است.

«جهان» فرزندانمان را ساخته ایم و از «جان» آن‌ها غافلیم هر یک از ما تصویری از خوشبختی و زندگی خوب داریم و اغلب براساس همین تصور، زندگی را برای فرزندان خود مهیا می‌کنیم. برخی گمان می‌کنیم که بهترین والدین کسانی هستند که آینده‌ای آماده را به فرزندشان تحویل دهند. شاید این جمله را شنیده باشید که برخی می‌گویند می‌خواهم فرزندم آروزی هیچ چیزی را نداشته باشد. فارغ از اینکه آیا زندگی امروز به والدین چنین اجازه‌ای را خواهد داد یا نه و آیا زندگی قابلیت پیش بینی‌های ما را دارد یا خیر؟ مسئله‌ای است که باید به آن اندیشید.

پیش از این باید پرسید که چگونه فهمیدیم فرزندان ما چه آرزویی دارند. آیا از طریق خود آن‌ها متوجه شدیم؟ یا از چیزهایی که در جهان برایشان آماده کرده ایم تا به واسطه آن زندگی را فهم کنند؟ آیا در نظر گرفتن امکانات متعدد توانسته است آن‌ها را برای شرایط مختلف در زندگی آماده کند؟ آیا تربیت مبتنی بر امکانات، تحسین و تشویق توانسته منجر به خلایق و رشد آن‌ها شود؟

امروزه از تربیت معنوی کمتر سخنی به میان می‌آید و این مسئله جای خود را به دغدغه والدین برای برآورده کردن امکانات و تربیتی مادی و مبتنی بر تشویق داده است؛ چیزی که شاید با نگاه خیرخواهانه والدین صورت می‌گیرد اما می‌تواند در کنار وجوه مثبت، آسیب‌های خاص خود را داشته باشد.

ایکنا به مناسبت ۳۱ خرداد که در تقویم به عنوان روز خانواده نام‌گذاری شده به سراغ احمد رضا آذربایجانی، پژوهشگر علوم تربیتی رفته تا در این باره با او گفت‌وگو کند. آذربایجانی پژوهشگر علوم تربیتی است که با هنر، الهیات و فلسفه آشنایی دارد. او دانش‌آموخته هنر است که تصمیم می‌گیرد تحصیلات خود را در زمینه الهیات دنبال کند. او فلسفه اسلامی را نزد استادان بزرگی چون بلخاری، دینانی و محقق داماد شاگردی کرده است. دکتر او در گرایش علوم تربیتی است؛ که علاقه او به این حوزه سبب شده تا زمینه‌های یاد شده کنار هم در وحدتی تألیفی قرار گیرند. او کتاب‌ها و پژوهش‌های بسیاری داشته و برگزار کننده رویداد های علمی و کارگاه‌های اندیشه ورزی در حوزه کودک و نوجوان است. آذربایجانی در گفت‌وگو با ایکنا به ارائه توضیحاتی درباره مقوله مهم خانواده برای مخاطبان پرداخته است که مشروح آن را در ادامه می‌خوانیم:

والدین به سمت امور مادی رفته اند

این دغدغه که والدین می‌خواهند فرزند خود را در رفاه مطلق و شرایط بی‌عیب و نقص و با امکانات بسیار پرورش دهند؛ اولین مشکلی که دارد این است که خلایق را از فرزندان می‌گیرد. خلایق ما بیشتر در رویارویی با محدودیت‌ها رشد می‌کند. شاید دلیل این توجه و التفات والدین، دور شدن آن‌ها از خود و واقعیت خودشان باشد، آن‌ها به نحوی محو فرزندان خود شده‌اند. به معنای واژه «فرزند» توجه کنید؛ «فر» یعنی شکوه و «زند» یعنی دستاورد. فرزند یعنی باشکوه‌ترین دستاورد انسان. والدین با محو شدن در دستاورد خودشان مانعی برای خودشناسی خود و فرزندانشان می‌شوند.

قاعده‌ای وجود دارد که می‌گوید موجود رشد یافته محو زیر مجموعه خود نمی‌شود (العالی لا یلتفت الی السافل) مادر پیش از آنکه ملتفت فرزند باشد باید ملتفت مادریّت خود باشد، در چنین شرایطی در سایه مادریّت، فرزند نیز کامیاب می‌شود و در مسیر رشد قرار می‌گیرد.

اصالت پول

در کارگاه اندیشه ورزی که با کودکان و نوجوانان داشتم از آن‌ها پرسیدم که چه چیزی برای شما اهمیت دارد؟ همگی گفتند:

«پول». چراکه می‌توانیم با پول همه چیز را به دست بیاوریم. از آنها پرسیدیم آیا احترام و خوبی را هم با پول می‌توان بدست آورد؟

پول به عنوان قوی‌ترین نماینده مادیات شناخته می‌شود و برای کودک و نوجوان امروزی اصیل است، چراکه بخشی از رسانه و فیلم‌هایی که می‌بیند و یا اندیشه و مدل ذهنی که به او عرضه می‌شود در خدمت اصالت پول قرار می‌گیرد؛ در حالی که در اندیشه‌های سالم جهان، چیزی که اصالت دارد «محبت» است. برای مثال اگر خانواده‌ای دچار بحران شدند محبت است که به آن‌ها کمک خواهد کرد نه پول. اگر پول داشته باشیم ولی مهربانی نداشته باشیم آن را برای هم هزینه نمی‌کنیم.

پاداش متناسب با رفتار

تشویق در امر تربیت کار عاقلانه‌ای است که در حکمت و نگرش دینی نیز به آن توجه بسیار شده است. در شیوه قرآنی می‌بینید که پاداش عمل خیر ۱۰ برابر و جزای عمل خطا را یکی قرار داده‌اند. هنگامی که فرزند شما عمل اخلاقی را انجام می‌دهد که تا به حال آن را انجام نداده، نیاز است که او را تشویق کنید. به طور مثال در جمع سلام نمی‌کرده و حالا این کار را انجام می‌دهد. این رفتار نیاز به تشویق دارد اما به یاد داشته باشید که تشویق می‌تواند اقسام مختلفی داشته باشد، از تشویق مادی گرفته تا تشویق کلامی. اما اگر آن عمل خوب را فرزند شما تکرار کرد، لازم نیست که او را مثل بار اول تشویق کنید، بلکه باید به صورت کلامی و یا حتی با زبان بدن او را تأیید و تشویق کنید.

تربیت جان و جهان

اگر والدینی می‌خواهند انسان خوبی تربیت کنند باید به هر دو جنبه تربیت (معنوی و مادی) که ما اصطلاحاً به آن تربیت جان و جهان می‌گوییم توجه کنند؛ یعنی به همان اندازه که به ظواهر و مواهب توجه می‌کنند به جان و باطن و درونیات فرزندشان هم توجه کنند. حال اگر والدینی جوانب زندگی فرزند خود را با عنصر جهان فربه کنند و به جان او توجه نکنند، اثر اندکی از تربیت معنوی در فرزند می‌توان یافت. در تربیت والدین امروز به جهان پرداخته شده و از جان غفلت شده است.

بخش مهمی از این یاددهی در زمان یادگیری خود والدین صورت می‌گیرد، والدینی که دغدغه توحید نداشته باشند، فرزند آنان نیز خود به خود از توحید یاد نمی‌کند. والدینی که مرگ اندیش نباشند و به جان خویش نپردازند، چه بسا فرزندان آن‌ها نیز از مرگ تصویری مثل نیستی و معدوم شدن داشته باشند.

اگر والدین روی جان انسانی فرزندان خود کار کنند، آن‌ها به جان الهی خودشان نزدیک می‌شوند. اینجاست که همدلی می‌کنند، مراقبت می‌کنند و حواسشان هست تا به دیگری لطمه نزنند. وقتی فرزند ما کار درستی انجام داد و بار اولی است که انجام داده او را تشویق می‌کنیم اما دفعات بعد جنس تشویق دیگری را انتخاب می‌کنیم. می‌توانیم با تشویق زبانی و با کلام احساس خرسندی را به فرزندمان انتقال دهیم و نه فقط به دنبال تشویق‌های ملموس و مادی باشیم.

جنس دیگری از تشویق

یک بار گروهی از بچه‌ها می‌خواستند برای تولد دوستشان هدیه ببرند و از من مشورت خواستند. به آن‌ها گفتم دوست شما آدم خوبی است؟ گفتند بله. به آن‌ها گفتم خوب باید از پدر و مادر او تشکر کنید که چنین انسانی را تربیت کرده است. بچه‌ها این کار را انجام دادند و مادر دوستشان و بالطبع خود دوستشان، بسیار خوشحال و غافلگیر شده بود.

افراط در توجه خطرناک است

گاهی والدین با هدیه بیش از حد و برای نمایش در شبکه مجازی به مناسبت‌های مختلف به فرزند خود توجه می‌کنند. برخی از خانواده‌ها از روی چشم و هم چشمی این کار را انجام می‌دهند. البته این موضوع در بخشی از جامعه شهری که از یک سطح از امکانات مالی برخوردار است صورت می‌گیرد و متأسفانه فضای رسانه هم آن را تشدید کرده است. برخی از این کارها صرفاً جنبه نمایشی دارد و همین می‌تواند روح فرزندان را خراب کند. این مسائل ما را بیشتر درگیر جهان بچه‌ها و از باطن و جان آن‌ها دور می‌کند.

توجه بیش از حد فسادآفرین است

در حدیثی از امام محمدباقر(ع) آمده است که ایشان می‌فرمایند: بدترین والدین، والدینی هستند که توجه بیش از حد به

فرزندانشان دارند. سعدی در این زمینه داستانی دارد که به زبان امروزی آن را نقل می‌کنم. پسری به پدر حکیم خود گفت: پدر، ما با اینکه وضع خوبی داریم اما به نسبت دیگران در ناز و نعمت کمتری هستیم. پدر برای پاسخ به فرزند خود تصمیم گرفت تا امکان تجربه ای را به او بدهد و گفت به تو دو بره می‌دهم که از آن‌ها مراقبت کنی. به یکی از آن‌ها مرتباً غذا بده و نگذار طعم گرسنگی و دشواری را بچشد و به آن یکی روزی دوبار غذا بده و گاهی اصلاً به او غذا نده. بعد از مدتی پسر به پدرش گفت: آن بره که در ناز و نعمت بود، دوست داشتنی نیست فقط چاق و بزرگ شده و موجودی بی‌هوش و به درد نخور است؛ لطفاً سریعاً سر او را ببریم اما آن یکی باهوش است، روی دو پای خودش می‌ایستد و صاحبش را می‌شناسد و می‌داند که من صاحب او هستم. پدر گفت می‌خواستم با نگهداری از بره‌ها به تو بگویم که اگر مداوم به تو رسیدگی کنم و تو را در ناز و نعمت قرار دهم، فراموش می‌کنی که پدری داری. صاحب تو خداست و من وسیله‌ای هستم که گاهی به تو می‌رسم و گاهی براساس آگاهی تو را محدود می‌کنم.

براساس داستان سعدی می‌توانیم نتیجه بگیریم که والدینی که فکر می‌کنند باید خواسته‌های مدام فرزندانشان را برآورده کنند در تربیت فرزندانشان با این موضوع مواجه می‌شوند که آن‌ها درک عمیق و دقیقی نسبت به زندگی نخواهند داشت. این افراد اگر شهروند یک شهر هم باشند همیشه طلبکار هستند و سیستم جامعه را تحت شعاع قرار می‌دهند. این افراد تا تحت فشار و سختی قرار می‌گیرند به جای اینکه بسازند به فکر رفتن و مهاجرت هستند، ساختن نیاز به خلاقیت دارد و خلاقیت امری است که در موقعیت‌هایی واقعی زندگی ایجاد می‌شود.

گفت وگو از حدیث منتظری